

گزیده ۱

اثر آینه‌ای اطمینان - سوگیری پس نگر در قضاوت: یک مدل تعیین دقت برای پدیده "تمام مدت آن را می‌دانستم"

The confidence-hindsight mirror effect in judgement:
An accuracy-assessment model for
the knew-it-all-along phenomenon.

Anders Winman, Peter Juslin & Mats Bjorkman

*Journal of Experimental Psychology Learning,
Memory, and Cognition*, 1998, 2, 415-431

بعد از وقوع حادثه دردناک کشتار فرقه واکو Waco در تگزاس، روان‌شناسان سوئدی گفتند که وقوع چنین حادثه‌ای کاملاً قابل پیش بینی بوده است^۱ در روان‌شناسی در موارد متعددی با این مسئله برخورد کرده‌ایم که بعد از وقوع یک حادثه اکثریت ادعا کرده‌اند که با قرائن و شواهد، به راحتی قابل پیش بینی و انتظار بوده است. اما جالب اینکه قبل از حادثه کسی اظهار نظر نکرده و کمتر کسی قادر به پیش بینی بوده است. این مسئله در ورزش، سیاست، اقتصاد و... به طور مکرر مشاهده می‌شود. بعد از وقوع جنگها و انقلابها، بحرانهای اقتصادی از جمله سقوط سهام، شیوع معضلات اجتماعی و تغییر ناگهانی وضع اجتماعی و حتی امتحانهای درسی به نظر می‌رسد که مسئله و پاسخها کاملاً قابل پیش بینی، منطقی و اجتناب‌ناپذیر بوده است و اگر دقت می‌شد حتماً از قبل قابل پیش بینی بوده است. فیش هوف Fischhoff در این باره اصطلاح درترمینیسم خزنده creeping determinism را به کار می‌برد. بدین معنی که مردم هنگام نگرش به گذشته و عقب، جهان را بسیار قانونمندتر و قابل پیش بینی‌تر از آنچه هست تلقی می‌کنند. به عبارت دیگر وقتی بعد از وقوع حادثه‌ای از مردم می‌خواهیم که اعلام کنند با توجه به شواهدی که قبل از وقوع حادثه در دست داشته‌اند چه مقدار می‌توانستند بروز آن را پیش بینی کنند، پاسخ آنها در واقع قبل از وقوع حادثه یا در صورت عدم اطلاع از وقوع یا عدم وقوع آن این است که پیش بینی بسیار دشوار بوده است ولی وقتی نتیجه مشخص می‌شود مردم سریعاً به سوی قابل انتظار و پیش بینی بودن حادثه سوگیری می‌کنند^(۱). این پدیده را وود می‌نامد. Wood "سوگیری پس نگر hindsight bias" یا پدیده "تمام مدت آن را می‌دانستم" knew-it-all-along

در مورد چگونگی شکل‌گیری این پدیده عوامل شناختی و انگیزشی دخیل هستند. از صاحب نظران معاصر در این حوزه می‌توان به هاکنز Hawkins و هستی (Hastie) اشاره کرد. طبق دیدگاه این دو که به "شبیه سازی جریان" process simulating موسوم است، انسانها بعد از اطلاع از نتیجه یک حادثه سعی می‌کنند شرایط را به صورت پیش نگر foresight شبیه سازی و فرض کنند و با وجود اطلاع از نتیجه نهایی به گونه‌ای خود را در شرایط قبل از وقوع حادثه

۱. در واقع "معماً چون حل گشت آسان شود"

تلقی کنند و فرایندهای تصمیم‌گیری و شناختی خود را بازسازی کنند: در آن زمان من با آن اطلاعات کدام تصمیم را اتخاذ می‌کردم؟ به یک مثال مورد مطالعه هاکینز و هستی توجه کنید:

طول عمر و امید به زندگی و در کدامیک از کشورهای زیر بیشتر است؟
الف. مصر
ب. بلغارستان
جواب صحیح بلغارستان است.
اگر پاسخ را نمی‌گفتند شما با احتمال چند درصد پاسخ صحیح را انتخاب می‌کردید؟

بر اساس این دیدگاه در جریان تخمین احتمال رسیدن به پاسخ صحیح ابتدا یک یادآوری انتخابی selective recall صورت می‌گیرد: بلغارستان کشوری اروپایی است و معلوم است که طول عمر و امید به زندگی در آن بیشتر است اما این اصل که بلغارستان یک کشور فقیر اروپایی و به بلوک شرق سابق تعلق دارد کمتر یادآوری می‌شود. علاوه بر یادآوری انتخابی، ارزیابی شواهد evidence evaluation و جمع بندی شواهد evidence integration نیز به طور جهت دار و سوگیری شده صورت می‌پذیرد و سوگیری در این سه مرحله به شکل‌گیری پدیده سوگیری پس نگر منجر می‌گردد.

سوگیری پس نگر اثرات مخربی در اطمینان به پیش بینی آینده نیز به جای می‌گذارد به طوری که این پدیده در شکل‌گیری اطمینان بیش از حد در قدرت پیش بینی آینده مؤثر است زیرا مردم بر این تصور غلط قرار می‌گیرند که وقایع گذشته را به راحتی می‌توانستند پیش بینی کنند و در واقع یافتن پاسخ سوالات مسائل سیاسی، اقتصادی و... برای آنها چندان دشوار نبوده است و به نوعی احساس توانمندی با برخورد در مسایل دیگر ایجاد می‌شود.

در ادامه مقاله نگارندگان در کنار فرضیات هاکینز و هستی، فرضیه خود را به عنوان مکمل و نه جایگزین دیدگاه قبلی تحت عنوان "تعیین دقت accuracy assessment" مطرح می‌کنند. بر اساس این فرضیه در پس نگر، یک تخمین پنهان و غیر علنی از شدت دشواری سؤال یا تصمیم‌گیری، نهفته است به بیان دیگر، در صورت وجود سوگیری پس نگر قوی اشخاص سؤال یا مسئله را بسیار ساده‌تر از آنچه هست تلقی می‌کنند و برعکس. در واقع هسته مرکزی فرضیه تعیین دقت، در تخمین دشواری نهفته است. هر قدر مسئله‌ای را ساده‌تر و بدیهی‌تر ببینیم هم به اطمینان بیش از حد پیش نگر (یعنی احتمال درستی پاسخهای خود را قبل از اطلاع از نتیجه بیشتر می‌دانیم) و هم به سوگیری پس نگر دچار می‌شویم. این دو خطا (اطمینان بیش از حد پیش نگر و سوگیری پس نگر) از خطای واحد شناختی نشأت می‌گیرند و بر خلاف فرضیه هاکینز و هستی در بسیاری از موارد یکی ناشی از دیگری نیست.

در این مقاله نگارندگان ضمن اذعان به ارتباط نزدیک اطمینان بیش از حد پیش نگر و سوگیری پس نگر از، اصلی تحت عنوان "اثر آینه‌ای اطمینان - سوگیری پس نگر" یاد می‌کنند که به بررسی مواردی که اطمینان پیش نگر یا سوگیری پس نگر معکوس باشند می‌پردازد: قبل از حصول نتایج، آزمودنی پاسخهای درست خود را کمتر از آنچه هست ارزیابی کند یا بعد از اطلاع از پاسخ صحیح مدعی شود که احتمالاً نمی‌توانسته است جواب صحیح را حدس بزند. اینکار با افزایش دشواری سوالات و آزمونها میسر گردید. پژوهشگران در زمینه تخمین وزن اجسام، میزان شیوع بیماریها در اجتماع و آمارهایی در مورد میزان مرگ و میر از بیماریهای مختلف که معمولاً پاسخ آنها برای اکثریت مردم مبهم است سؤالهای دشواری از آزمودنی‌ها به عمل آوردند. علاوه بر سنجش سوگیری پس نگر، از آزمودنی‌ها در مراحل مختلف آزمایش (قبل و بعد از اطلاع از پاسخ صحیح) خواستند که سختی سؤالها را مشخص کنند. در این حالت نیز اثر آینه‌ای اطمینان - سوگیری پس نگر مشاهده شد. هر قدر دشواری سؤالی افزایش می‌یافت اطمینان آزمودنی از درستی پاسخ کمتر می‌شد. در این گونه موارد اثر سوگیری پس نگر نیز معکوس می‌گشت.

نویسندگان این گونه نتیجه‌گیری می‌کنند که یادآوری انتخابی یا ارزیابی و جمع بندی جهت دار شواهد نمی‌تواند تنها دلیل سوگیری پس نگر باشد و آنچه در آن دخیل است همان اطمینان بیش از حد پیش نگر ما به پاسخها و تصمیمات خویش است. به اعتقاد نگارندگان مقاله، بخشی از سر منشأ شناختی سوگیری پس نگر را بایستی در پدیده اطمینان بیش از حد پیش نگر جستجو کرد و این دو پدیده نه مستقل از یکدیگر و یا یکی ناشی از دیگری بلکه مسئله‌ای واحد هستند. آنچه در مطالعات قبلی اتفاق می‌افتاده این بوده که از سوالات معلومات عمومی و به ظاهر ساده استفاده می‌شده است و سادگی ظاهری سوالات باعث ایجاد سوگیری پس نگر بعد از اطلاع از جواب می‌شده است اما اگر از سوالاتی استفاده می‌شد که آزمودنیها از همان ابتدا آنها را دشوار تلقی می‌کردند سوگیری پس نگر نه تنها حذف می‌شد بلکه حتی معکوس نیز می‌گردید. به عبارت دیگر آسانی یا دشواری ظاهری سوال عامل مهمی در شکل‌گیری پدیده

سوگیری پس نگر است. اینکه چرا بعضی سوالات ساده‌تر از آنچه هستند تلقی می‌شوند خود در مطالعات دیگر نیازمند توضیح و تبیین است. یکی از نتایج مخرب سوگیری پس نگر این است که انسانها موارد بسیاری از یادگیری را کم ارزش و یا بی اهمیت تلقی می‌کنند زیرا بعداز آنکه مطلبی را خواندند و یادگرفتند تصور می‌کنند که پاسخ یا مطلب کاملاً بدیهی بوده است و آن را از قیل می‌دانسته‌اند و یا با اندکی تأمل و تفکر می‌توانستند به دست آورند و زمانی که صرف یادگیری شده است صرفاً اتلاف وقت بوده است.

شاید شما نیز بعداز خواندن این نوشته این گونه بیندیشید که "تمام جوانب موضوع واضح بود و این مطالب را همه می‌دانند".

I-knew-it-all-along !